



اول : رخنه و نفوذ      دوم: ایجاد شبهه      سوم: شکاف و جدائی  
چهارم: مطرح نمودن انحرافات در بطن آرمانهای نهضت      پنجم: بدست گرفتن  
قدرت و نابودی اصالت نهضت.

اما در مقابل این توطئه خزنده چگونه بود که شیخ شهید نوری، زودتر از همه متوجه عمق فاجعه شد و سپس وارد معرکه شده و مسلمین و علماء را نسبت به خطر بدعت هشدار داد؟ این مسئله و ظرایف آن را بایستی به متون و گزارشات تاریخی ارجاع داد و هیچ سندی از لویح\* حاجی شیخ فضل الله که در حضرت عبدالعظیم انتشار می یافت موثق تر و مستندتر نیست، اما اینکه چطور شیخ شهید اعلام خطر نمود و متقابلاً اهل بدعت چگونه نگذاشتند ندای واقعی شیخ بگوش مردم برسد، این نکته ای است که در خلال این بحث به آن می پردازیم و سپس اصلاحی را که شیخ در مقابل انحراف مطرح نمود، می آوریم.

#### ۱ - شبهه انقلابی نبودن و سابقه نداشتن

یکی از شبهاتی که در زمان مشروطیت و بعداً در کتب و تواریخ، بصورت مطالبی موثق و بدون شبهه مطرح و به اصطلاح جا انداخته شد این بود، که اصولاً شیخ فضل الله از اول مخالف انقلاب بود، و بقول امروزها سابقه مبارزاتی نداشته و برای حفظ ظاهر مجبور بوده حرکت خود را با مسیر این سیل تطبیق دهد تا غرق نشود.

در رابطه با این تحریف و دروغ، خود شیخ شهید در همان زمان شخصاً در مقام پاسخگویی برآمدند که البته هیچگاه آقایان به اصطلاح آزادیخواه گوش به حرفهای او نداده و نگذاشتند سخن شیخ به جایی برسد چرا که آنان بدنبال نفی اصالت انقلابی شیخ و جلوگیری از دخالت وی، قصد اجرای مراحل بعدی توطئه های خود را داشتند، ولی اصحاب شیخ طی لایحه ای بتاريخ سه شنبه ۱۰ جمادی الثانی از سال ۱۳۲۵ قمری از این تهمت چنین جواب دادند:

«اما اینکه ارباب حسد و اصحاب غرض می گویند و می نویسند و منتشر می کنند که جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاجی شیخ فضل الله، سلمه الله تعالی منکر

.....

\* - در آن زمان، به اعلامیه هائی که از طرف شخصیتها، انتشار می یافت، لایحه می گفتند.

مجلس شورای ملی می‌باشد دروغ است دروغ... مخصوصاً روز جمعه گذشته به این شرح نطق فرمودند:

ایها الناس من بهیچوجه منکر مجلس شورای ملی نیستم بلکه مدخلیت خود را در تأسیس این اساس، بیش از همه کس می‌دانم زیرا که علماء بزرگ ما که مجاور عتبات عالیات و سایر ممالک هستند، هیچیک همراه نبودند و همه را به اقامه دلایل و براهین، من همراه کردم، از خود آن آقایان عظام می‌توانید این مطلب را جویا شوید، الان هم من همان قسم که بودم تغییری در مقصد و تجددی در رأی من بهم نرسیده است، صریحاً می‌گویم همه بشنوید و به غائبین هم برسانید که من آن مجلس شورای ملی را می‌خواهم که عموم مسلمانان آن را می‌خواهند.»<sup>۱</sup>

البته باید اضافه نمود که سابقه مبارزاتی شیخ در نهضت مشروطه از تمام علمای تهران بیشتر و روشن تر بوده و فعالیت‌ها و نقش اساسی او در قضیه تحریم تنباکو، مطلبی است که پژوهندگان تاریخ مشروطیت به آن اذعان دارند.

## ۲ - او اصول اولیه جنبش را قبول ندارد

از آنجا که اهل بدعت آدم‌های بی سواد و ضعیفی نبودند بلکه بقول خود شیخ که می‌فرمود: «اینها یک نحو چالاک‌گی و تردستی در اشاره فتنه و فساد دارند و بواسطه ورزشی که در این کارها کرده‌اند، هر جا که هستند آنجا را آشفته و پریشان می‌کنند»<sup>۲</sup>

گاهی برای تحریک احساسات مردم و ایجاد شبهه و تردید نسبت به مسلمات و اصول جنبش از طرف مخالف سرسخت خود (شیخ شهید) مطالب و اکاذیبی نقل می‌کردند که به هیچ وجه درست نبود، البته چرا آنان این کار را می‌کردند، دلیل آن بخوبی معلوم است، برای آنکه در مقابل منطق نیرومند فقهی همچون شیخ، نمی‌توانستند بایستند و از طرف دیگر بخاطر التقاطی بودن عقاید خویش و وحشت از اظهار افکار ضد اسلامی خود، از بحث ایدئولوژیکی و فکری روی برتافته و معمولاً بحث را به بیراهه میکشاندند و چنان هو و جنجال به راه می‌انداختند که اصل مطلب فراموش می‌شد. و می‌توان گفت که: مقصود

.....

(۲) مأخذ قبلی

(۱) لویح شیخ فضل الله نوری در حضرت عبدالعظیم

شیخ اصلاح و هدایت نهضت و مشخص کردن خط بدعت و واکنش مخالفین غرب زده او، ایجاد شبهه در میان طرفداران انقلاب نوپای مشروطه و اینکه مشروعه خواهان با ضوابط انقلاب از ریشه مخالفند، بود.

اعلامیه‌هایی که در حضرت عبدالعظیم از طرف شیخ صادر و منتشر شد گزارش این مطلب را چنین آورده است:

«خدای تعالی راضی مباد از کسی که درباره مجلس شورای ملی غیر از تصحیح و تکمیل و تنقیح، خیالی داشته باشد و بر سخط و غضب الهی گرفتار باشند، کسانی که مطلب مرا برخلاف واقع انتشار می‌دهند و بر مسلمانها تدلیس و اشتباه می‌کنند و راه رفع شبهه را از هر جهت، مسدود می‌سازند تا سخن ما بگوش مسلمانان نرسد و بخرج مردم بدهند که فلانی و سایر مهاجرین، منکر اصل مجلس شورای ملی شده‌اند»<sup>۳</sup>

«آنچه خیلی لازم است برادران بدانند و از اشتباه کاری خصم بی مروت بی دین تحرز نمایند، این است که چنین ارائه می‌دهند که علماء دو فرقه شدند و با هم حرف دینی دارند و به این اشتباه کاری، عوام بیچاره را فریب می‌دهند که یک فرقه مجلس خواه و دشمن استبدادند و یکدسته ضد مجلس و دوست استبدادند، لابد عوام بیچاره می‌گویند، حق با آنهاست که ظلم و استبداد را نمی‌خواهند افسوس که این اشتباه را به هر زبان و به هر بیان می‌خواهیم رفع شود، خصم بی انصاف نمی‌گذارد.

در باب مجلس خواهی، در امر اول دانستی که هیچ خلاف نیست و همه می‌خواهند و اما در این امر دین همه علماء بدون استثناء می‌گویند که این مجلس مخالف اسلام نباشد باید آمر به معروف و ناهی از منکر و حافظ بیضه اسلام باشد. ای مسلمانان، کدام عالم است که می‌گوید مجلسی که تخفیف ظلم نماید و اجرای احکام اسلام کند، بد است و نباید باشد؟ تمام کلمات، راجع است به چند نفر لا مذهب بی دین آزاد طلب که احکام شریعت قیدی است برای آنها، می‌خواهند نگذارند که رسماً این مجلس مقید شود به احکام اسلام و اجراء آن، هر روزی به بهانه‌ای القاء شبهات می‌نمایند»<sup>۴</sup>

• • •

(۴) همان مأخذ قبلی

(۳) همان مأخذ قبلی

### تبدیل بحث از اسلام و بدعت، به آزادی و استبداد

سیاست‌بازان در همهٔ زمانها شعاری مردم‌پسند مطرح می‌کنند، تا بحث و محور اصلی مباحث عوض شود، آخر کجای اسلام سلطنت جائز و استبدادی را تأیید می‌کند و یا در کجای اسلام ظلم و استثمار و بهره‌کشی و زورگویی و زراندوزی نامشروع را تأیید می‌نماید و کدام عالم دینی به دنبال این حرفها است؟ اهل بدعت برای آنکه مطلب حق طرف مقابل را وارونه جلوه دهند و از طرفی آنان را به موضع‌گیری شبهه‌انگیز بکشانند، خود را مدافع سرسختی مثلاً آزادی قلمداد می‌کنند در این وادی بطور عمد، به قدری افراط کرده و جنجال راه می‌اندازند که در نتیجه، مجتهد شیعه به فکر اصلاح شعاری یا ضابطه مطرح کردن آن بیفتد، در آن هنگام به منظور جوسازی کاذب می‌گویند و می‌نویسند که نگفتم فلانی مستبد است و یا طرفدار فلان مطلب می‌باشد؟!

در مقابل افراط در آزادی که در صدر مشروطیت مطرح بود، مرحوم شیخ در یکی از لویح خود چنین می‌گوید:

«از جمله یک فصل از قانونهای خارجه که ترجمه کرده‌اند، این است که مطبوعات مطلقاً آزاد است (یعنی هرچه را که هرکسی چاپ کرد احدی را حق چون و چرا نیست) این قانون با شریعت ما نمی‌سازد لهذا علماء عظام تغییر دادند و تصحیح فرمودند، زیرا که نشر کتب ضلال و اشاعة فحشاء در دین اسلام ممنوع است و کسی را شرعاً نمی‌رسد که کتابهای گمراه کنندهٔ حرام را منتشر کند و یا بدگویی و هرزگی را در حق مسلمانی بنویسد و به مردم برساند».<sup>۵</sup>

مسلم است که در راستای این منطق و استدلال اگر تودهٔ پرشور مردم کمی به تفکر، تحریص و ترغیب شوند و شعور اجتماعی آنان پیشرفت مطلوبی داشته باشد، حقایق بخوبی و آسانی برایشان آشکار می‌گردد، ولی همین مطرح کردن آرمانها و ضوابط هم بهانه‌ای می‌شد تا آنان به مردم القاء کنند که این اسلامی کردن شعائر، اول کار است، آنها، آزادی با ضابطه نمی‌خواهند بلکه می‌خواهند ریشهٔ آزادی را بسوزانند.

.....  
(۵) همان مأخذ قبلی

## ایجاد اختلاف، آغاز انحراف

مسئله اختلاف بین علمای بزرگ در صدر نهضت مشروطیت از جمله مسائلی است که بسیار تکان دهنده و در عین حال عبرت آموز است، آیا تبلیغات مغرضانه روشنفکران، چه در آن زمان و چه در ازمنه بعدی که می‌گفتند: مرحوم شیخ طرفدار استبداد و مرحوم آخوند طرفدار آزادی است واقعاً صحت داشت و یا اینکه آندو از ریشه، و طرز تفکر و تلقی و برداشت باهم اختلاف و تباین داشته‌اند؟ آیا این مطلب تا چه اندازه می‌تواند درست باشد و اصولاً چرا باید اینگونه القائات در چنان سطح وسیع تبلیغ شود و دستگاه روحانیت نتواند در مقابل، جواب قانع کننده‌ای داده و واکنش مناسبی از خود نشان دهد؟ به منظور روشن شدن زمینه بحث باید گفت: کسی نمی‌تواند منکر این مطلب شود که نظریات فقهی و سیاسی و برداشتهای اجتهادی مرحوم شیخ فضل الله غیر از نظریات و برداشتهای مرحوم آخوند خراسانی و محقق نائینی بوده است ولی اختلاف آراء و نظریات و استنتاجات فقهی آنان، آنقدر باهم اختلاف برانگیز نبوده است که در مقطعی از زمان بصورت صف بندی در مقابل هم درآید، چون قبول یک سلسله کلیات و اشتراکات از سوی هر دو طرف، مواضع و دیدگاههای فکری آنان را در مسائل مهم و حساس به هم نزدیک می‌ساخته است، اما چه عاملی باعث شد که علیرغم این وحدت نظر کلی دینی، عده‌ای مغرض که هیچکدام از طرفین را از اصل قبول نداشتند در صحنه پیدا شده و از اختلافات جزئی فیما بین سوءاستفاده نمایند و یکی را در مقابل دیگری عَلَم کنند. جواب این سؤال را به عهده لویحی می‌گذاریم که در زمان اقامت مرحوم شیخ شهید نوری در حضرت عبدالعظیم، منتشر شد:

«برادران دینی ما، همه می‌دانند که آقای حاجی شیخ فضل الله و آقای حاجی آخوند رستم آبادی و سایر علماء عظام و ائمه جماعت که در زاویه مقدسه مشرف هستند، همگی همین مجلس را می‌خواهند که حضرات حجج اسلام و المسلمین آقای حاجی و آقای آخوند و آقای شیخ دامت برکاتهم تعیین فرموده‌اند و در این تلگراف اوصاف آن مجلس را یکایک شمرده‌اند، از جمله فرموده‌اند: غرض جز تقویت اسلام و حفظ دماء مسلمین و اصلاح امور عامه نداریم، پس مجلسی که این بزرگواران می‌خواهند باید مجلسی باشد که تقویت اسلام بکند، حضرات مهاجرین زاویه هم می‌گویند باید مجلس مسلمانها،

مجلسی باشد که تقویت اسلام بکننده ترویج کفر، پس دسته بابیهها و دسته طبعیهها و دسته... که همه منکر اسلام و مروج کفرند، باید بالکلیه خارج شوند، چه از متن مجلس و چه از حواشی مجلس»<sup>۶</sup>

و در روزنامه زاویه مقدس در یوم سه شنبه ۱۶ جمادی الثانیة ۱۳۲۵ می خوانیم:  
«البته عموم مسلمانان، مجلسی می خواهند که اساسش به اسلامیت باشد و برخلاف قرآن و برخلاف شریعت محمدی (ص) و برخلاف مذهب مقدس جعفری، قانونی نگذرد، من هم چنین مجلسی می خواهم، پس من و عموم مسلمین بر یک رأی هستیم، اختلاف میانه ما ولامذهبهاست که منکر اسلامیت و دشمن دین حنیف هستند، چه بایه مزدکی مذهب و چه طبعیه فرنگی مشرب، طرف من و کافه مسلمین، اینها واقع شده اند و شب و روز در تلاش و تک و دو هستند که بر مسلمانها این فقره را مشتبه کنند و نگذارند که مردم ملتفت و متنبه بشوند که من و آنها همگی، هم رأی و همراه هستیم و اختلافی نداریم، ایها المؤمنون، تلگرافی که این چند روز به اسم حجج اسلام والمسلمین آقای حاجی و آقای آخوند و آقای شیخ عبدالله دامت برکاتهم طبع و انتشار داده اند... ما مهاجرین آن تلگراف را قبول داریم و مقصد ما همان است که در آن تلگراف مندرج است، کسانی که از روی قوانین خارجه، نظامنامه اساسی برای مجلس شورای ملی تدوین می کنند، اگر نگارشات خود را بر طبق همان صورت تلگراف قرار بدهند، دیگر دعاگویان را هیچ شکایت و موجب مهاجرت نخواهد ماند و معلوم خواهد شد که منکر مجلس و مخالف مجلس و مخرب مجلس، ما هستیم یا دیگران»<sup>۷</sup>.

«از اوصاف و شرایط مجلس که حجج اسلام والمسلمین آقایان نجف اشرف در این تلگراف تعیین فرموده اند، آن است که باید رفع ظلم و اغاثه مظلوم و اعانت ملهوف کنند آقایان عظام مهاجرین زاویه مقدسه هم فرمایشی که دارند همین است بدون هیچ اختلاف»<sup>۸</sup> جمادی الثانیة سنه ۱۳۲۵.

«باری برادران دینی ما در این تلگراف تأمل و تفکر بکنند و ببینند که حضرات حجج اسلام مجاور نجف اشرف، مجلسی را که خواسته اند به چه صفت و کدام قید و

.....

(۸) همان مأخذ قبلی

(۷) همان مأخذ قبلی

(۶) همان مأخذ قبلی

شرط است، حضرات حجج اسلام مهاجرین زاویه مقدسه هم همان مجلس را می‌خواهند و مخالف چنان مجلس را مخالف شرع و مجادل با صاحب شریعت می‌دانند و البته تمام اهل اسلام هم مجلسی می‌خواهند که بهمین اوصاف و قیود و شرایط آراسته بوده باشد، پس صاحبان این تلگراف شریف و مهاجرین زاویه مقدسه و مسلمانهای ممالک محروسه، تماماً بریک قول و یک عقیده و یک رأی هستند.»<sup>۱</sup> جمادی الثانیة سنة ۱۳۲۵.

اگر اطلاعیه‌ها و فتاوای سایر علمای بزرگ آن زمان را با ژرف بینی و دقت بررسی نماییم، بخوبی متوجه می‌شویم که همه علماء در اصول اولیه و اساسی، اشتراک نظر و عقیده داشته‌اند و اختلاف هر یک از آنان با متجددین و روشنفکران طرفدار سیاست و فرهنگ مغرب زمین در تمامی اصول و اساس، امری واضح و معلوم بوده، چنانچه اگر در فتاوی‌ای مرحوم آخوند خراسانی و نظریات مرحوم نائینی و اعلامیه علمای حوزه اصفهان توجه شود، بخوبی این وحدت آرمان و اشتراک نظر، معلوم خواهد شد. به چند نمونه بطور مستند اشاره می‌شود:

«ما غرضی جز تقویت اسلام و حفظ دماء مسلمین و اصلاح امور عاقله، نداریم، علیهذا مجلس که تأسیس آن برای رفع ظلم و اغاثه مظلوم و اعانت ملهوف و امر به معروف و نهی از منکر و تقویت ملت و دولت و ترقیه حال رعیت و حفظ بیضه اسلام است، قطعاً و عقلاً و شرعاً و عرفاً، راجح بلکه واجب است...»

الاحقر نجل حاجی میرزا خلیل - الاحقر محمد کاظم خراسانی - الاحقر عبدالله

المازندارانی<sup>۱</sup>

مرحوم میرزای نائینی می‌فرماید:

«برای پیروی و متابعت همین سنت و سیره مأخوذه از انبیاء و اولیاء علیهم افضل الصلوة والسلام، است که در این عصر فرخنده، ربانیین فقهاء روحانیین و رؤساء مذهب جعفری علی مشیده افضل الصلوة والسلام، هم در استنفاد حریت و حقوق منصوبه مسلمین و تخلیص رقابشان از ذلّ رقیب و اسارت جائرین، همان همت مجدّانه را مطابق همان سیره مقدسه مبارکه مبذول،...»<sup>۱۱</sup>

.....

(۱۱) کتاب تنبیه الامة و تنزیه الملة ص ۳۶.

(۱۰) همان مأخذ قبلی

(۹) همان مأخذ قبلی



علمای حوزه بزرگ اصفهان، تحت ریاست مرحوم آقا نجفی و حاج آقا نورالله اهداف و آرمانهایشان را از مشروطیت چنین بیان می‌نمایند:

«بر خود واجب و لازم نمودند که بالاتفاق بتمام هستی خود در اعلائی کلمه اسلام و احیای سنن شریعت خیر المرسلین علیه صلوات المصلین و ابطال بدع مبدعین و اعانت مظلومین، کیف ما کان و بالغا ما بلغ در این مقصود مقدس ساعی و در تمام مطالب مرقومه تماماً ید واحده و لسان واحد باشند.»<sup>۱۲</sup>

بادقت در این اسناد و مطالب، اشتراک نظر اولیه و نزدیکی و یک ریشه داشتن افکار علماء و رهبران مذهبی مشروطه را بخوبی میتوان فهمید و چنانکه نفوذ بدعت گزاران و ایجاد شبهه آنان نبود و بقول مرحوم شیخ، اختلاف بین علماء و لا مذهبها، اصل قرار می‌گرفت، بلاشک، نهضت در سیر اسلامی خود، آن را از آفات و خیانت‌های روشنفکران ضد مذهب، نجات می‌داد، اما شیخ در مقابل ائتلاف پنهانی که در مقابلش پیدا شده بود، دست به یک سلسله اقداماتی زد که به دو مورد مهم و اساسی آن که کتب تاریخ مشروطیت، بعضی آنرا تحریف کرده و یا به دست فراموشی سپرده‌اند می‌پردازیم:

اگر مرحوم شیخ، هم و غم خود را مصروف جواب دادن به شبهات و بحث‌های فرعی و مصنوعی می‌نمود، علاوه بر آنکه به جو سیاسی کاذب و بی سروته، رونق می‌بخشید و بدین ترتیب زمینه را برای مطرح کردن و بیان تفکرات اصلاحی و دقیق خود خراب می‌کرد، پس از مدتی به ناچار خود را رودر روی همفکران و هم‌صنفان روحانی خود قرار می‌داد و در صورت این پیش آمد، بخوبی معلوم بود که وقتی دنیروی مساوی و صادق و دارای پایگاه مردمی به جان یکدیگر بیفتند چه اتفاقی خواهد افتاد.

بدون تردید، نتیجه چنین برخوردی این بود که در نهایت، هردو اندیشه شکست می‌خورد و زمینه برای مطرح شدن و پیروزی هدف گروه سومی که به منظور بدست آوردن فرصت مناسبی کمین گرفته و فتنه‌ها و آشوب‌های جاری را کارگردانی می‌کردند، مهیا می‌گردید.

شیخ شهید برای اینکه در چنین دام خطرناک و وسوسه‌انگیزی که بر سر راهش

.....

(۱۲) کتاب تاریخ سیاسی نهضت اسلامی آیت الله حاج آقا نورالله.

گسترده بودند گرفتار نشود بجای پرداختن به اینگونه جدلهای سیاسی بی حاصل و بازدارنده، لبه شمشیر حمله خود را به طرف دیگر چرخانده و جبهه فقهی - فرهنگی بسیار دامنه داری را در مقابل دشمنان طرحهای اصلاحی خود گشود که بدین ترتیب می توانست بر جامعه پلازده آنروز ایران، روشن سازد که مسبب اصلی اختلاف کیست؟ و همچنین می توانست نیروهای اصیل و صادق نهضت را در یک جناح جمع آورده و در راستای رسیدن به هدف معقول و منطقی انقلاب که پاسداری از ارزشها و اصالتها بود، به حرکت درآورد و تدلیس گران و نیرنگ بازان غرب زده و خائن را رسوا کند که متأسفانه چرخش سریع گردونه گذار سیاست، فرصت بهره برداری کامل از این شیوه برخورد با دشمن را به شیخ و یارانش نداد ولی روشن ساخت که شیخ فضل الله نوری نه تنها سخن گوی محافل تاریک اندیش و متحجر و ضد آزادی و جنبش سیاسی با هدف صحیح و اسلامی آن نیست، بلکه متفکر و مصلحی صاحب رأی بوده که نظریات سیاسیش، ریشه در تفکرات فقهی او دارد که در صورت اجرای نظریات او به طور کامل و دقیق، دست استعمار باختری در اکثر زمینه های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از مملکت اسلامی کوتاه می گردیده و در زمینه حکومتی نیز دیانت، جزء لاینفکی از حکومت بلکه محیط بر آن می شد و این دقیقاً هدف اصلی نهضت عدالتخانه و سپس مشروطیت بود.

### تفسیر و تعیین حدود واژه ها و نهادها، راهی برای نزدیکی دیدگاهها

از ظریف ترین و عمیق ترین برنامه هائی که مرحوم شیخ برای رفع بدعت و التقاط از انقلاب، بکار برد و بدان وسیله، بسیاری از دوستان صادق را از قرار گرفتن در موضع مخالف خود نجات داده و در کنار خود قرار داد، تفسیر واژه ها و بحث های فکری عمیق و دقیق بر مبنای اصول اسلامی - فقهی بود، به طوریکه در کشاکش این مبارزه فکری، بسیاری از برنامه ها و جریانات انحرافی چون حجاب، روی آب آمده و نابود می گشتند، به عنوان مثال ایشان در مورد مجلس - چنانچه اشاره شد - اصل آن را قبول داشتند و شبهه ها و القائات متخاصمین را رفع کرده و سپس با مطرح نمودن مجلس اسلامی، گروهی از علمای نجف را در کنار خود قرار داده و مغرضین و مشروطه خواهان غیر مذهبی غرب گرا را از صفوف انقلاب مشروطیت جدا می نمود، چنانچه در روزنامه لوائح آمده است:

«باید برادران، ملتفت شوند که فهمیدید کسی ضد مجلس نیست، علماء هم اختلافی ندارند که مجلس باید براساس اسلام باشد».<sup>۱۳</sup>

«باید از دشمنان دین و منکرین اسلام و بدخواهان شما جلوگیری بکنند و راه و رخنه تصرفات اینها را در مجلس شورای مسلمین مسدود بفرمایند و دارالشورای کبرای ملی اسلامی شیعی جعفری را از پارلمنتهای فرنگ، فرق بگذارند، مملکت ایران از هزار و سیصد و چند سال قبل که از آیین زردشتی به دین مبین محمدی (صلی الله علیه وآله) شرف انتقال پذیرفته است...»<sup>۱۴</sup>

در یکی دیگر از لوایح، در مورد لفظ مشروطیت و حدود آن با ژرف بینی و دقت تمام چنین آمده است:

«با کمال توقیر و احترام، خدمت و کلاء محترمین مجلس شورای ملی زحمت عرض می‌دهیم از آنجائیکه لفظ «مشروطه» تا بحال در این مملکت مستعمل نبوده است، فعلاً که این لفظ در السنه دائر است، چون مردم این مملکت با استعمال آن مأنوس نیستند، هرکس این لفظ را طوری معنی می‌کند و مقصود از این کلمه را به وجهی بیان می‌نماید، خاصه که این کلمه در اغلب السنه به لفظ حریت و آزادی تردیف می‌شود و بعضی نادانان به اذهان مردم چنین القاء می‌کنند که مراد از حریت و آزادی، حریت مطلقه است و اینطور می‌فهمانند که مجلس مقدس در تمام امور مردم دخالت می‌کند و حتی امور شرعیه را در تحت مشورت گذارده...»

اولاً: معنی مشروطیت چیست و حدود مداخله مجلس تا کجا است و قوانین مقرر در مجلس می‌تواند مخالف با قواعد شرعیه باشد یا خیر؟  
ثانیاً: مراد از حریت و آزادی چیست و تا چه اندازه مردم آزادند و تا چه درجه حریت دارند؟...»<sup>۱۵</sup>

نه نفی انقلاب و نه بدعت، اصلاح با ضابطه اجتهاد

چنانچه اشاره شد مرحوم شیخ، خود از مبارزین با سابقه و از پیشگامان نهضت

.....

(۱۴) همان مأخذ قبلی

(۱۵) همان مأخذ قبلی

(۱۳) لوایح شیخ فضل الله نوری در حضرت

عبدالمظیم

بیداری به رهبری مرحوم آیت الله العظمی میرزای شیرازی بود و در قیام بزرگ تحریم دخیانیات در تهران، زحمات بسیار کشیده و حتی قبل از قیام تنباکونیز در زمینه تحریم کالاهای اجنبی از فعالین و ارکان مهم روحانیت بود و در انقلاب مشروطیت نیز در مقابل استبداد و استعمار بیش از همه علمای تهران، خواهان گسترش و نفوذ و پیروزی نهضت بود، همو بود که میخواست دست اجنبی را به کلی از مملکت اسلامی قطع نماید و با تفسیر مذهبی از مشروطه، آن را وسیله رشد و تحرک جامعه اسلامی قرار دهد و لذا در شرایط موجود آروز و نفوذ منحرفین در نهضت، چنانچه به نفی مطلق انقلاب می پرداخت، با شکست آن، مملکت به وضع سابق خود برمیگشت و وضعی پیش می آمد که خود شیخ سالها با آن مبارزه کرده بود. در چنین موقعیتی که هردو راه موجود (نفی انقلاب و قبول بدعت) راه «مغضوبین» و راه «ضالین» بود، او با مطرح کردن آرمانهای اصیل و اولیه جنبش و لزوم مطابقت خط مشی سیاسی و اجتماعی و... انقلاب، با معیارهای اصیل اسلامی، راه سومی را برگزید تا بدین وسیله بتواند هردو خطر: ایست گرائی (نفی انقلاب) و انحراف (بدعت گزاری) را برچیند و راه را برای انقلاب در شکل راستین و فعالیتهای اسلامی اش بگشاید.

بنابراین از آنجائیکه اساس مشروطه بر شوری و مجلس بود و قانونگذاری بوسیله نمایندگان ملت از مهمترین و اصیل ترین اهداف آن بشمار می رفت، طرح اولیه ایشان در این مورد این بود که یک هیئت از فقهاء دارای صلاحیت، بر قوانین طرح شده در مجلس نظارت داشته باشند تا قوانین مصوبه در آن با موازین شرعی مطابقت داشته باشد، فرمایش ایشان چنین است:

«این مجلس مقدس شورای ملی که به توجه و تأیید حضرت امام عصر (عجل الله فرجه) و بذل مرحمت... و مراقبت حجج اسلامیه (کنز الله انالهم) و عامه ملت ایران تأسیس شده، باید در هیچ عصری از اعصار، مواد قانونیه آن، مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام (علیه و علی اله الصلوٰة والسلام من الله الملك الملام) نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه، بر عهده علماء اعلام (ادام الله برکات وجودهم) بوده و هست، لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشند، از طراز اول مجتهدین و فقهاء متدینین تشکیل شود که قوانین

موضوعه را قبل از تأسیس به دقت ملاحظه و مذاکراه نمایند و هریک از آن مواد معنونه که مخالف با قوانین شریعه باشد، عنوان قانونیت پیدا نخواهد کرد و امر این هیئت علماء در این باب مُطاع و متبع است و این ماده هیچ وقت تغییر پذیر نخواهد بود.»

حرره الاحقر فضل الله النوری<sup>۱۶</sup>

بدنبال این حرکت اصیل شیخ، مخالفین، دیگر نمی‌توانستند به ناسزاگوئی و جوسازی‌های خود ادامه دهند و لذا مجبور بودند یکی از دو راه را برگزینند: یا اصل مزبور را بپذیرند که در این صورت قوه قانونگذاری با نظارت فقهاء، کار خود را آغاز می‌کرد و بدیهی است که تصویب قوانین شرعی از نفوذ بدعت جلوگیری می‌کرد.

و یا آنرا رد کنند که در این صورت چهره انحرافیشان برای مراجع و علمای طرفدار مشروطه آشکار می‌شد و این امر سبب می‌شد که همه علماء در یک سنگرو در کنار هم قرار گرفته و بدعت گزاران را از مجلس بیرون ریخته و آنان را از پست‌های حساس و رده‌های بالای مملکت برکنار کنند.

در ضمن باید توجه داشت عناصر طرفدار سیاست تجلّد و تمدن بر پایه تقلید ونفی هویت و اصالتها، به هیچوجه نمی‌خواستند که در اوّل راه رسوا شده واهداف آینده آنان فاش گردد، در این رابطه و با بسته بودن این دوره، به شیطننت جدیدی متوسل شدند و در اوّل کار با تشکیک و پشت سرهم اندازی و اینکه مگر نماینده ملت هم می‌شود مسلمان نباشد و یا اینکه آقایان علماء در بین نمایندگان حضور دارند، سعی در انحراف موضوع و براندازی اصل نظارت مجتهدین بر قوه مقننه را داشتند، ولی جبهه تازه‌ای که مرحوم شیخ در مقابلشان گشوده بود، یک جبهه سیاسی تازه و برخاسته از بطن موضع فکری و فقهی شیخ شهید بود و از غرب زده‌ها کسی را نمی‌رسید که در مقابل ایشان به استدلال و یا احتجاج شرعی توسل جوید، بدین جهت ادله قوی شیخ بزودی بر سایر طرز تفکرها غالب آمد و این درحقیقت غلبه ضوابط اجتهادی بر بدعت غرب گرائی بود و بزودی اثرات میمون و حسن این سیاست برای همگان مشهود و معلوم گشت و مرحوم آخوند خراسانی و مرحوم شیخ عبدالله مازندرانی

.....

(۱۶) روزنامه‌های زمان مشروطیت اصفهان سنه ۱۳۲۵ قمری

هم به تأیید این خط سیاسی پرداختند و نزدیکی فکری و اصولی آنان از هر دو طرف هویدا گردید. چنانچه در تلگراف زیر آمده است:

از نجف اشرف

توسط جناب حجة الاسلام نوری دامت برکاته، مجلس محترم شورای ملی شیدالله

ارکانه.

ماده شریفه ابدیه که به موجب اخبار واصله در نظامنامه اساسی درج و قانونیت مواد سیاسی و نحوها من الشرعیات به موافقت با شریعت مطهره، منوط نموده اند، از اهم مواد لازمه و حافظ اسلامیت این اساس است و چون زنادقه عصر به گمان فاسد حریت، این موقع را برای نشر زندقه و الحاد مغتتم و این اساس قویم را بنام نموده، لازم است، ماده ابدیه دیگر، در دفع این زنادقه و اجراء احکام الهیه عز اسمہ بر آنها و عدم شیوع منکرات درج شود، تا بعون الله تعالی نتیجه مقصود بر مجلس محترم مترتب و فرق ضالّه، مایوس و اشکالی متولد نشود انشاء الله تعالی.

الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی

الاحقر عبدالله المازندرانی، هفتم جمادی الاولی<sup>۱۷</sup>

شیخ شهید به دنبال به دست گرفتن ابتکار عمل در جهت برداشتن نقاب از چهره بدعت گذاران، کل خواسته هایشان را در سه ماده مطرح کرده و نشر می کند که در دنباله ضابطه قبلی در جهت اصلاح نهضت مطرح می شود:

«اولاً: کلمه مشروطه در اول قانون اساسی تبدیل به کلمه مبارکه مشروعه و قانون محمّدی (صلی الله علیه وآله) بشود.»

ثانیاً: آنکه، لایحه نظارت علماء که به طبع رسیده، بدون تغییر، ضمّ قانون شود و تعیین هیئت نظار هم در همه اعصار فقط با علماء مقلّدین باشد، چه آنکه خودشان تعیین بفرمایند یا به قرعه خودشان معین شود و ماده ای که حضرت حجة الاسلام آقای آخوند خراسانی مدظله که تلگرافاً به توسط حجة الاسلام آقای حاجی شیخ فضل الله دامت برکاته از مجلس محترم خواستند، امتثالاً لامره الشریف در قانون اساسی درج شود.

.....

(۱۷) روزنامه لویح حاجی شیخ فضل الله نوری در حضرت عبدالعظیم.

ثالثاً: اصلاحات مواد قانونیه از تقیید و تخصیص عمومات واستثناء مایحتاج الی الاستثناء مثل تهذیب مطبوعات و روزنامجات از کفریات و توهینات به شرع و اهل شرع و غیرها که در محضر علماء اعلام و وجوه از وکلاء، واقع شود، باید به همان نحو در نظامنامه بدون تغییر و تبدیل درج شود. انشاء الله تعالی.»<sup>۱۸</sup>

در مقابل این برنامه منظم و تدریجی مرحوم شیخ فضل الله، اولین عکس العملی که مخالفین از خود نشان دادند این بود که:

هرطور شده مردم را از حقایق و عمق تفکرات ایشان دور نگه داشته و از پخش آن در سطح کشور جلوگیری نمایند، در بین مطبوعات تهران روزنامه صبح صادق به درج این اصل و نظریات شیخ که در لایحه، انعکاس یافته بود پرداخت و در مقابل، عده ای از ناآگاهان که تحریک شده بودند به اداره روزنامه ریخته و در و پیکر آنرا شکسته و صدمات زیادی بر آن وارد آوردند بطوریکه روزنامه مزبور در اثر فشارهای وارد مجبور شد در شماره بعدی چنین بنویسد:

«اعتذار چون در نمره چهل و هشت روزنامه صبح صادق، لایحه منسوب به جناب شیخ فضل الله، درج شده بود که درج و انتشار آن بدون اطلاع مدیر روزنامه بوده و اجزاء اداره به مقتضای خبرنگاری، آن لایحه را در ضمن روزنامه درج کرده اند، اینک محض اطلاع مشترکین می نگارد که این نمره چون بخلاف وظیفه و ترتیب اداره روزنامه درج شده و مدیر اداره از آن به کلی بی خبر و بی اطلاع بوده است، لهذا آن نمره را بکلی ساقط و باطل کرده، نمره چهل و هشت را تجدید کردیم و از سهو و اشتباه اداره، از آقایان معذرت می خواهیم»<sup>۱۹</sup>

شاید برای مطبوعاتی که آنچنان دم از آزادی بیان و افکار می زدند، این بدترین طرز رسوائی باشد که از درج یک لایحه، چنان وحشت زده شود که عذرخواهی بنماید. این مطالب بخوبی موفقیت جبهه ای را که شیخ گشوده بود، نشان میدهد، چرا که

.....  
(۱۸) همان مأخذ قبلی.

(۱۹) روزنامه صبح صادق - تهران، دوشنبه ۲۱ ربیع الثانی سنه ۱۳۲۵ قمری.

به دنبال پافشارهائی که از سوی ایشان صورت گرفت، مجلس مجبور به تصویب متمم قانون اساسی شد و هر چند که در لایحه شیخ دست برده و مفاد آن را تغییر داده و به صورتی ضعیف، تصویب کردند. در اینجا مناسب است متن متمم دوم قانون اساسی را بیاوریم تا با مقایسه آن با لایحه اولیه شیخ، تغییراتی را که در آن داده اند، ارزیابی نمائیم:

«مجلس شورای ملی که به توجه و تأیید حضرت امام عصر (عجل الله فرجه) و بذل مرحمت اعلیحضرت شاهنشاه اسلام خلد الله سلطانه و مراقبت حجج اسلامیه کثر الله امثالهم و عاقه ملت ایران تأسیس شده است، باید در هیچ عصری از اعصار، مواد قانونیه آن مخالفتی با قواعد مقدسه اسلام و قوانین موضوعه حضرت خیر الانام صلی الله علیه وآله وسلم نداشته باشد و معین است که تشخیص مخالفت قوانین موضوعه با قواعد اسلامیه، بر عهده علمای اعلام ادام الله برکات وجودم بوده و هست، لهذا رسماً مقرر است در هر عصری از اعصار هیئتی که کمتر از پنج نفر نباشد از مجتهدین و فقهای متدینین که مطلع از مقتضیات زمان هم باشد به این طریق که علمای اعلام و حجج اسلام مراجع تقلید شیعه، اسامی بیست نفر از علماء که دارای صفات مذکوره باشند، معرفی به مجلس شورای ملی نمایند، پنج نفر از آنها را یا بیشتر به مقتضای عصر، اعضای مجلس شورای ملی بالاتفاق یا به حکم قرعه تعیین نموده، به سمت عضویت بشناسد تا موادیکه در مجلس عنوان می شود، به دقت مذاکره و غورو بررسی نموده و هر یک از آن مواد معنونه که مخالفت با قواعد مقدسه اسلام داشته باشد، طرح و رد نمایند که عنوان قانونیت پیدا نکند و رأی این هیئت علماء در این باب مطاع و متبع خواهد بود و این ماده تا زمان ظهور حضرت حجة عجل الله فرجه تغییر پذیر نخواهد بود.<sup>۲۰</sup> چنانچه لایحه تصویبی با اصل اولیه لایحه شهید شیخ فضل الله مقایسه شود، معلوم می شود که دو تغییر عمده در آن داده اند:

اول: آنکه در لایحه تصویبی مجلس، علماء و مراجع، بیست نفر را معرفی و مجلس از بین آنان پنج نفر را برمیگزینند، در صورتی که در لایحه شیخ چنین آمده: مستقیماً هر پنج نفر از طرف مراجع باید تعیین شوند.

دوم: آنکه از بیست نفر معرفی شده، پنج نفر برگزیده شوند یا باید بالاتفاق از

.....  
(۲۰) روزنامه مجلس سنه ۱۳۲۵ قمری.



طرف مجلس تعیین شوند و یا بحکم قرعه، و بخوبی معلوم است که این قسمت مصوبه، استقلال کامل و پر قدرت هیئت نظار فقهاء را که در حکم شورای نگهبان بوده اند، از آن میگیرد.

و این بخوبی نشان می دهد که قدرت و استقلال فقهای ناظر بر مجلس تا چه اندازه در جهت محو بدعت و نابودی توطئه عوامل نفوذ مغرب زمین در قانون ایران اثر داشته و نیز بخوبی روشن می سازد که چرا در جهت محویا کم جلوه دادن آن، اینقدر تلاش می شده است.

اما در هر حال ضابطه اجتهادی شیخ در قالب لایحه نظارت فقهاء، هر چند بطور کامل به اجراء در نیامد ولی باعث شد که همان تصویب نیم بند، بتواند روحانی نیرومندی همچون شهید مدّرس را روانه مجلس نماید که او تا پایان دوره ششم مجلس همچون سدی محکم در مقابل طرفداران بدعت و نفوذ استعمار باختری بایستد و این بی شک از برکات همان دفتی بود که شیخ، ابتکار و پیشنهاد کرد.

البته از برکات دیگر آن طرح اجتهادی این بود که در ازمنه بعدی و در انقلاب بزرگ اسلامی معاصر هم، آن ضابطه اصیل از مبانی و اصول محکمه و متقن نظام اسلامی در تصویب قوانین باشد و بی شک درس مشروطیت و مخالفت با این نهاد که ضامن اسلامیت مصویبات مجلس بوده و هست، به ما نشان داده و می آموزد که این ضابطه اجتهادی و نهاد مقدس حکومتی، محکم ترین یا از محکم ترین موانع نفوذ بدعت در هر قالب و عنوان، اعم از روشنفکری، غرب گرایی و شبه انقلابی التقاطی، بوده و هست و ای کاش شهید نوری زنده بود و به ثمر رسیدن مبارزات خود را بشکل تدوین قانونی آن می دید تا تسلی خاطر از مصائبی باشد که برای خاطر آن در دوران صدر مشروطیت تحمل کرده بود. خدایش رحمت کند و ما را قدردان نعمت والای اسلام بنماید.

زعیم نهضت اسلامی معاصر امام خمینی رهنمودهای مهمی از این درس آموزی تاریخ بیان نموده اند که به چند فراز از آن برای حسن ختام مبحث، اشاره می شود:

«در جنبش مشروطیت همین علماء در رأس بودند، اصل مشروطیت اساسش از نجف بدست علماء و در ایران بدست علماء شروع شد و این پیش رفت و آنقدر که آنها می خواستند که مشروطه تحقق پیدا کند و قانون اساسی در کار باشد، لکن بعد از آنکه شد،

دنباله اش گرفته نشد، مردم بی طرف بودند، روحانیون هم رفتند، هرکس بسراغ کار خودش، از آن طرف عمال قدرتهای خارجی مخصوص در آن وقت انگلستان، در کار بودند که اینها را از صحنه خارج کنند یا به ترور و یا به تبلیغات، گویندگان و نویسندگان آنها کوشش کردند به اینکه روحانیون را از دخالت در سیاست خارج کنند و سیاست را به دست آنهایی که به قول آنها می‌توانند، بدهند یعنی فرنگ رفته‌ها و غربزده‌ها و شرق‌زده‌ها و کردند آنچه را کردند، یعنی اسم مشروطه بود و واقعیت استبداد، اگر روحانیون به ملت، خطباء، علماء، نویسندگان و روشنفکران متعهد، سستی بکنند و از قضایای صدر مشروطه عبرت نگیرند، بر سر این انقلاب آن خواهد آمد که بر سر انقلاب مشروطه آمد». ۲۱

«متمم قانون اساسی با زحمت علما درست شد لکن عمل نکردند، الان این دولتی که در سرکار است [مربوط به زمان طاغوت است] الان این وکلای ایران قانونی نیستند، قوانین اساسی مجلس ایران رسمی نیست، این مجلس ایران بر حسب قانون اساسی بایستی پنج نفر از فقهاء ناظر برش باشند». ۲۲

«اگر شما، اگر ملتها این طایفه را حفظ نکنند (علماء) بدانید که سرنوشت شما سرنوشت زمان مشروطه خواهد شد که روحانیون این کار را درست کردند و دست استبداد را کوتاه کردند، لکن دوباره بواسطه اینکه ملت مجتمع نبود و با روحانیت آنطور سازش و اطاعت نداشت، مشروطه را آنها بیا کردند و دیگران آمدند». ۲۳



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

.....  
(۲۱) در جستجوی راه از کلام امام دفتر هشتم ص ۳۳۰.

(۲۲) همان مأخذ قبلی ص ۲۰۹.

(۲۳) همان مأخذ قبلی ص ۲۲۱.